

فرانسه و لیبی از رابطه دوستانه نفتی تا جنگ مسلحانه

کشورها دشمنان و دوستان دائمی ندارند ولی در مقابل، منافع دائمی دارند. این سخن زیرکانه و جاودانه وینستون چرچیل در عرف بین‌الملل ماندگار شده و این مقوله در روابط فرانسه- لیبی به شکلی ویژه نمود یافته است.



ترجمه - سیدمحسن ساری: کشورها دشمنان و دوستان دائمی ندارند ولی در مقابل، منافع دائمی دارند. این سخن زیرکانه و جاودانه وینستون چرچیل در عرف بین‌الملل ماندگار شده و این مقوله در روابط فرانسه- لیبی به شکلی ویژه نمود یافته است.

نگاهی تاریخی و تحلیلی به روابط دو کشور فرانسه و لیبی نشان می‌دهد که این رابطه گاهی به اوج رسیده و شکوفا شده و اندکی بعد به پایین‌ترین سطح رسیده است. روابط این دو کشور در اوج خود به سطح ائتلاف نظامی و راهبردی می‌رسد و در زمان فرود و رکود به رویارویی نظامی منجر می‌شود. این وضعیت در دهه 80 در درگیری‌های نظامی دو کشور در چاد نمودی برجسته یافت. در سال‌های گذشته رابطه میان دو کشور به خاطر منافع نفتی بهبود یافت و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک میان دوطرف برقرار شد، اما اکنون این رابطه دوباره به وضعیت جنگی رسیده است.

فرانسه نخستین کشور غربی بود که در سال 1951 استقلال لیبی را به رسمیت شناخت و با ملک ادريس روايطی راهبردی ایجاد کرد تا اینکه در منطقه هم پیمان اصلی‌اش شود، منتها فرانسه نظام معمر قذافی را به رسمیت نشناخت و آخرین کشوری بود که رابطه با لیبی را عادی ساخت.

قذافی در ژانویه 1970 با امضای قراردادی نظامی مبنی بر خرید 50 جنگنده میراژ، جهان را شگفت‌زده کرد. زمانی که انورسادات اعلام کرد که می‌خواهد جنگی را که جمال‌عبدالناصر آغاز کرده کامل کند، قذافی از فرانسه دیدن کرد و برای خرید 178 جنگنده میراژ با ژرژ پمپیدو قراردادی تاریخی امضا کرد.

دوستان اسرائیل در دولت فرانسه تلاش کردند این معامله را بر هم بزنند چون قذافی آشکارا اعلام کرد که شاگرد جمال عبدالناصر است، منتها ژرژ پمپیدو آنها را قانع ساخته و آشکارا اعلام کرد که این معامله نه فقط از نظر اقتصادی اهمیت دارد بلکه بدین طریق می‌توان لیبی را از دامن اتحاد شوروی بیرون کشید.

قذافی همه جنگنده‌های خریداری شده را به مصر هدیه کرد و پس از آن با ایتالیا برای خرید قایق‌های پلاستیکی، قرار داد امضا کرد و مصری‌ها با همان قایق‌ها از کانال سوئز عبور کردند.

گروه فشار یهودی‌های فرانسه از همان تاریخ، قذافی را به‌عنوان شیطان بزرگ معرفی کرده و بر زیرپا گذاشته شدن حقوق بشر در لیبی و حمایت از تروریسم بین‌الملل، تأکیدی جدی شد. گروه فشار یهودی، قذافی را دیکتاتوری خونخوار معرفی می‌کرد که مخالفان را به قتل می‌رساند و قانون اساسی را نادیده می‌گیرد.

با به قدرت رسیدن ژیسکار دستن در فرانسه، روابط دو کشور به ماه عسل شبیه شد و در آن زمان قراردادهای عظیم نفتی و اسلحه میان پاریس و طرابلس منعقد شد. اما به‌دلیل رفتارهای غیرعادی قذافی این ماه عسل به تلخی گرایید، ولی فرانسوا میتران در دهه 80 روابط را به حالت عادی بازگرداند.

بلندپروازی‌های نظامی سرهنگ قذافی موجب شد که منافع فرانسه در چاد به خطر افتد و در درگیری‌های نظامی، تعدادی از طرفین به خاک و خون غلتیدند. فرانسه، جنگنده‌های قذافی را در چاد سرنگون ساخت و همه قراردادهای نظامی با لیبی را فسخ کرد و لیبی را به دخالت در امور داخلی چاد متهم کرد.

میتران در سال 1984 با قذافی در قبرس دیدار کرد و آتش درگیری نظامی خاموش شد، ولی شعله جنگ سیاسی همچنان روشن باقی ماند. در سال 1987 در درگیری نظامی، فرانسه جنگنده‌های لیبی را سرنگون ساخت و همه خلبانان را در آسمان لیبی به قتل رساند.

همین امر موجب شد تا قذافی به یارانش دستور داد که در 19 سپتامبر 1989 در صحرای نیجر هواپیمای مسافربری شرکت هوایی فرانسه را منفجر کنند که 170 سرنشین آن کشته شدند.

فرانسه پس از این ماجرا پرونده قذافی را گشود و از راز انفجار هواپیمای مسافربری آمریکا بر فراز روستای لاکربی اسکاتلند در 21 دسامبر 1988 پرده برداشت. در این حادثه 259 سرنشین و 11 نفر از ساکنان روستای لاکربی کشته شدند.

وقتی ژاک شیراک وارد کاخ الیزه شد و روابط با لیبی را به حالت اول بازگرداند، منتها روابط سیاسی از نظر دیدارهای متقابل به سطح مورد نظر نرسید. ژاک شیراک در اقدامی غیرمنتظره با رونالد ریگان هماهنگی کرده و یادداشتی مبنی بر لغو مصونیت قذافی صادر کرد. قاضی دیوان عالی فرانسه به نام ژان لویی بروژه در سال 1999 در پی انفجار هواپیمای فرانسه حکمی مبنی بر بازداشت قذافی صادر و دلیل آن را چنین اعلام کرد: قذافی ادعا می‌کند که رهبر انقلاب است و نه رئیس‌جمهور؛ طبق عرف بین‌الملل می‌توان رهبر انقلاب را بازداشت کرد.

بروژه در حکمی غیابی 6 نفر از یاران قذافی از جمله عبدالله السنوسی باجناق قذافی را به دست داشتن در انفجار هواپیمای فرانسوی، متهم کرده بود. غرامت جان باختگان 31 میلیون دلار اعلام شد و لیبی مبلغ را پرداخت کرد و ژاک شیراک به قذافی اعلام کرد که موضوع خاتمه یافته است و او می‌تواند بدون ترس وارد فرانسه شود.

ژاک شیراک پس از آنکه بازار عراق را از دست رفته دید ناچار شد که خود به لیبی برود و در آنجا قراردادهای نظامی، صنعتی، هسته‌ای و بهداشتی به ارزش 2 میلیارد دلار امضا کند.

نیکولا سارکوزی با دیدار از لیبی در سال‌های 2005 و 2007 همپیمانان خود را شگفت‌زده کرد. او از قذافی دفاع کرده و آشکارا گفت که معمر قذافی دیکتاتور نیست بلکه قدیمی‌ترین حاکم در منطقه عربی است. سارکوزی از هیأت بسیار بزرگ قذافی استقبال کرده و خیمه قذافی را در کاخ میهمانان فرانسه بر پا ساخت و بدین ترتیب سقف روابط جدید تا سطح ائتلاف راهبردی و نظامی ارتقا یافت. در بخش‌های بهداشتی و آموزشی و مهاجرت و مبارزه با تروریسم و توافقنامه‌های نظامی و همکاری‌های دفاعی و خرید نیروگاه‌های هسته‌ای و شیرین کردن آب دریا، قراردادهایی به ارزش 10 میلیارد دلار میان دوطرف امضا شد و در کنار آن پروژه فروش جنگنده‌های جدید از نوع رافائل و تیجر به امضا رسید.

سارکوزی به شدت تلاش کرد که به افکار عمومی مردم فرانسه بقبولاند که او با قذافی در مورد حقوق بشر صحبت کرده است ولی قذافی با اعلام اینکه فرانسه، آفریقا را به بردگی کشانده، سارکوزی را رسوا ساخت. قذافی به مردم آفریقا گفت که حاضر است برای از بین بردن بردگی فرانسوی‌ها از هر نظر به آنها کمک کند.

سارکوزی در این زمینه چنین گفت: سخن گفتن قذافی در مورد حقوق بشر در فرانسه جز اثبات بیهودگی، ثمر دیگری نخواهد داشت.

نیکولا سارکوزی که برای امضای قرارداد 10 میلیارد دلاری با اشتیاق به سمت قذافی رفته بود، وقتی دریافت که جز 2 میلیارد دلار، دیگر مبالغ قرارداد هرگز تأمین نخواهد شد و جنگنده‌های رافائل از سوی لیبی خریداری نخواهد شد، انقلاب‌های عربی را بهانه خوبی یافت و با همان جنگنده‌ها، لیبی را مورد تهاجم قرار داد. سارکوزی با این تهاجم خواست وجهه خود را در میان فرانسوی‌ها بهبود بخشد و پیروزی در انتخابات آینده ریاست‌جمهوری را برای خود تضمین کند.

سارکوزی به دلیل بهره‌برداری‌های سیاسی و نظامی و همچنین به دلیل اصلاح اشتباهات خود در رابطه با انقلابیون تونس و مصر، در کنفرانس سران اروپا، تهاجم سختی را علیه قذافی آغاز و دخالت نظامی در لیبی را ضرورتی انسانی توصیف کرد و بدین‌وسیله از کشته‌شدن هزاران قربانی دیگر توسط دیکتاتور جلوگیری کرد. جنگنده‌های رافائل و میراژ فرانسه، نخستین جنگنده‌هایی بودند که پایگاه‌های نظامی قذافی را بمباران کردند. سارکوزی با دخالت زمینی، به مخالفت برخاسته زیرا خواستار کشته‌شدن قذافی نیست. سارکوزی درصدد است که برای فرار قذافی راهی را باز گذارد تا اینکه بتواند او را دستگیر کند و برای انفجار هواپیمای فرانسوی، او را در پاریس محاکمه کند؛ دادگستری اسکاتلند نیز به دلیل قضیه لاکربی مایل به دستگیری و محاکمه قذافی است.

الاهرام